



گاهنامه دانشجویی سیاسی،
فرهنگی و اجتماعی

به مناسبت روز دانشجو

شماره ۵ / سال دوم / آذر ۹۹

■ مصاحبه با دکتر وحیدی، نماینده مجلس ۸/


■ فیل یا الاغ؟ ۱۰/

■ مذاکره ممنوع ۱۴/

■ سرپرست جدید دانشگاه، کیست؟ ۱۸/

■ ازدواج دانشجویی ۲۰/

شناسنامه

راهنما: برای استفاده از بخش صوتی رادیو صریر بر روی آیکون  کلیک کنید و یا در نسخه چاپی، کیوآر کد را اسکن نمایید.

صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان امام محمد باقر (ع) خراسان شمالی

مدیر مسئول: محمد الهامی

سرپرست: محمد مهدی کوه نشین

هیئت تحریریه: سجاد اسعدی - محمد الهامی - محمد بهاریان - رضا دلیرانی کیکانلو - الیاس رسولخانی - محمد ریحانی - محمد علی رضایی فرد - سید حسین ساریان - محمد مهدی کوه نشین - مهرشاد گریوانی - مهدی مارامائی - عباس محمدی - سید سجاد موسوی - سید محمد موسوی

مسئول گروه صوتی (رادیو صریر): محمد ریحانی

گروه صوتی: الیاس رسولخانی - محمد ریحانی - امیر حسین علی نیا - مهدی عوض نیا - محمد مهدی کوه نشین

سرپرست ویراستاران: سید محمد موسوی

گروه ویراستاری: مهدی مارامائی - سید محمد موسوی - محمد مهدی کوه نشین

مدیر هنری، گرافیک و طرح: علی ابراهیمی

سازش، زمینه تروار

مصاحبه با دکتر وحیدی،

نماینده مجلس ۸

شعر آزادی ۱۲

سرپرست جدید دانشگاه کیست؟ ۱۸

نقش خواص در جامعه ۱۶

چرا رهبری به آینده امیدوارند؟ ۱۵

آینده از آن کیست؟ ۲۳

در مرداب، به انتظار ۲۲

وضعیت دانشجوی

معلمان در ایام ۲۴

جدید الیورود ها ۲۵

شاعرانه ۲۶

مشکلات دانشجویی ۲۷

معرفی کتاب ۳۰

دینوشته یا حرف ۳۱

امر رهبری ۳۲

رادیو صریر ۳۴

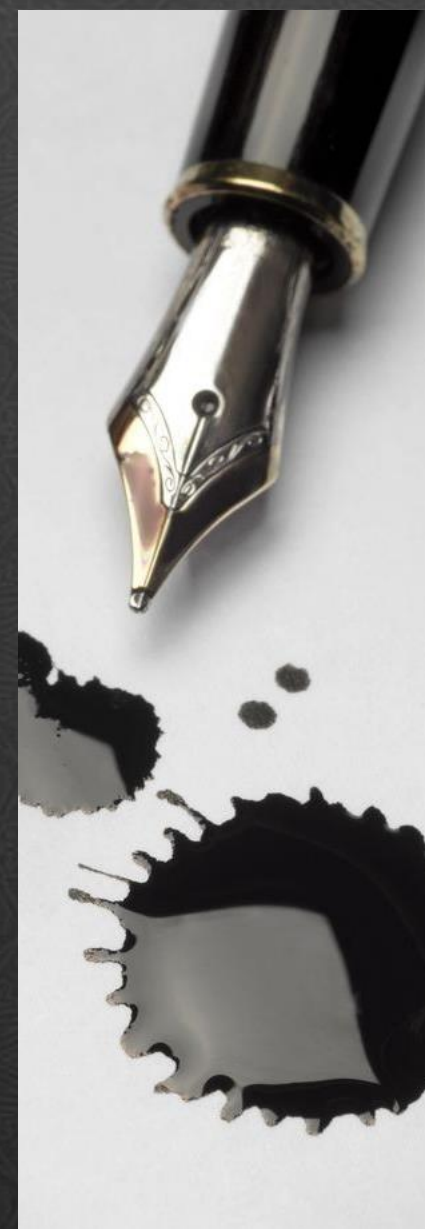
سر مقاله ۶

فیل یا الاغ ؟ ۱۰

مذاکره ممنوع ۱۴

ازدواج دانشجویی ۲۰

نقد فیلم ۲۸



سخن سردبیر

به نام خداوند لوح و قلم حقیقت نگار وجود و عدم
خدایی که داننده راز هاست نخستین سرآغاز آغازهاست

منت خدای را عز وجل که طاعتش موجب
قربتست و بشکراندرش، مزید نعمت». سعدی

محمد مهدی کوه نشین



بسیار خورسندیم که با پنجمین شماره از نشریه دانشجویی صریر، که مصادف با روز دانشجو است، در خدمت شما عزیزان هستیم. لازم میدانم که فرا رسیدن روز دانشجو، روز تأکید بر اهمیت علم آموزی و حقیقت جویی، روز تأکید بر لزوم تقویت ایمان و اهمیت افزایش بصیرت سیاسی و معرفت دینی را به شما دانشجو معلمان عزیز تبریک بگویم.

امیدوارم که با کسب دانش و مهارت های مفید، آینده سازان شایسته ای برای کشور عزیزمان، ایران باشید.

اما دانشجو معلمان عزیز، رسالت بسیار مهمی بر دوش شما بزرگواران می باشد که نشان دهنده اهمیت شما عزیزان است و آن رسالت، پیشرفت و ترقی فرهنگ جامعه در آینده است. رسالتی که ارزش شما را بسیار بالا میبرد گرچه متأسفانه بسیار از مسئولین ما این موضوع را جدی نگرفته و در پی اضمحلال دانشگاه فرهنگیان هستند. در این شماره از صریر به موضوعات مهم و مفیدی پرداخته ایم که مطمئناً از خواندن آن ها لذت و بهره فراوان خواهید برد.

و در پایان از تمام کسانی که برای جمع آوری پنجمین شماره از نشریه صریر کمک کردند بسیار تشکر میکنم و از خداوند منان برایشان موفقیت و عاقبت بخیری را مسئلت دارم.

خدایا چنان کن سرانجام کار

تو خوشنود باشی و ما رستگار



فصلی نو در صریر



محمد الهامی، مدیر مسئول



سلام و عرض ادب، خدمت مخاطبین نشریه
دانشجویی، بیش از یک سال از تولد نشریه صریر

گذشت و به پشتوانه شما دانشجو معلمان بزرگوار اکنون مجموعه صریر مفتخر است که اولین شماره ی خود را در سال دوم خدمت شما بزرگواران منتشر می کند. امید است پس از مطالعه این شماره لذت ببرید و توانسته باشیم پنجمین قدم خود را در مسیر بهبود سطح علمی و کیفی دانشجو معلمان ارجمند و تعجیل در فرج حضرت بقیه الله (عج) محکم تر از همیشه برداشته باشیم.

افتخار نشریه صریر این است که صدای قلم دانشجو معلمان است؛ بستری است برای بیان صحیح دغدغه ها و مطالبات دانشجو معلمان، کلاسی است برای تمرین درس معلمی، تا بدین وسیله بتواند باری از دوش نظام تعلیم و تربیت کشور بردارد. و این چه رسالت سنگینی است زمانی که در این میدان اسم صریر همراه با اسم بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان می آید.

ارزومندیم که بتوانیم انتظارات شما بزرگواران را برآورده کرده باشیم و به رسالت و اهداف خود در مسیری که گام برداشته ایم، نزدیک تر شده باشیم





محمد الهامی

با سلام خدمت شما دکتر وحیدی عزیز نماینده مردم محترم بجنورد، مانه و سملقان، راز و جرگلان، گرمه و جاجرم در مجلس شورای اسلامی. از اینکه به ما افتخار دادید و لطف کردید و پذیرفتید که در قالب مصاحبه با نشریه صریح، به پرسش های ما دانشجو معلمان پاسخ بسیار سپاسگزاریم

سوال اول:نظر شما در مورد دانشگاه فرهنگیان و اهمیت آن چیست؟

بسم الله الرحمن الرحيم، بنده هم عرض سلام و خسته نباشید دارم، خدمت مجموعه نشریه صریح و بسیج دانشجویی پردیس امام محمد باقر (ع) و بابت تدارک این مصاحبه تشکر میکنم. در گذشته با توجه به ضرورتی که در کشور حس می شد؛ دانشگاه فرهنگیان، یک دانشگاه کاملاً علمی، کاربردی به حساب می آمد؛ چون تربیت معلم در آن انجام می گرفت؛ که مهم ترین محصول این امر، تربیت نسل آینده کشور می باشد. متأسفانه، پس سال ها تعطیلی مراکز تربیت معلم، دانشگاه فرهنگیان تأسیس شد و در یک فاصله بسیار کم، رونق مطلوبی در دانشگاه اتفاق افتاد؛ اما جریان نفوذی که در دانشگاه شکل گرفت، مسیر دانشگاه فرهنگیان را به یک انحراف کشاند و با این که یک برخورد نسبی با آن شد، در طی این سال ها، همان جریان نفوذی، به سمت شورای عالی آموزش و پرورش، یعنی مکان تصمیم گیری دانشگاه فرهنگیان و مجمع آموزش و پرورش، منتقل شد. افرادی در این سال ها دانشگاه فرهنگیان را تعطیل کردند؛ خود

می گفتند: آموزش و پرورش ۲۰۰ هزار، معلم ملازاد دارد و حالا که در سال ۹۹ هستیم؛ ۲۰۰ هزار نفر کمبود دارد و متأسفانه نتوانستیم، یک چرخه دائم ایجاد کنیم که نیاز آموزش و پرورش با جذب نیرو هماهنگ باشد و خروجی معلم از آموزش و پرورش با ورودی آن یکسان باشد. متأسفانه هم اکنون، خیلی ها در فضای عمومی وزارت آموزش و پرورش یا شورای عالی آموزش و پرورش، به دانشگاه فرهنگیان، هنوز هم نگرش مثبت ندارند. این درحالیست که این نگرش

بیافتد ماریم؛ و حتی کلاس را، خودش اداره بکند. این اتفاق اگر بیافتد ما می توانیم بگوییم یک تربیت معلم خوب داریم؛ به مانند وزارت بهداشت، که وقتی پزشکی را تربیت می کند، باید چند سال کارورزی در محیط بیمارستانی داشته باشد؛ یعنی در صحنه عمل، کار را یاد بگیرد. مورد بعدی، تقویت دوره آموزش معلمان استان ها می باشد که اگر معلمی، قرار است ارتقای سطح کیفی و علمی داشته باشد، به دست خود دانشگاه

معلمان کشور استفاده شود و در بخش های محدود نیز، با استفاده از ماده ۲۸ اقدام به جذب معلمان، از فارغ التحصیلان سایر دانشگاه های کشور، انجام شود؛ اما در اظهار نظر اخیر وزیر علوم، متأسفانه، ماده ۲۸ بر روند کاری دانشگاه فرهنگیان، غلبه پیدا می کند، که امری نادرست است. هنر و حرفه معلمی، همچون امور درمانی نیازمند استفاده از دانشگاه و مسیر آموزش عالی منحصر به فرد است؛ زیرا معلمان تربیت کنندگان نسل های آینده جامعه هستند و اگر تربیت دانش

مصاحبه با دکتر وحیدی، نماینده مجلس شورای اسلامی

ثبت در مجلس وجود دارد و باید از ظرفیت مجلس هم، در بحث مشکلات فضای آموزشی و هم جذب هیئت علمی، در سال های آتی استفاده شود.

سوال دوم: برنامه کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی، برای تقویت دانشگاه فرهنگیان چیست؟

اول از همه، جریان جذب هیئت علمی است؛ که بنظر بنده الویت باید به سمتی برود که معلمان هیئت علمی بشوند؛ زیرا ما می خواهیم تربیت معلم کنیم و استاد تمام وقت ریاضی، که از معلمی چیزی نمی داند، بدرد این کار نمی خورد. دوم، محتوای کتب درسی است. محتوای کتب درسی باید نیازهای کلاس درس را رفع کند. قرار نیست در دانشگاه فرهنگیان، یک استاد محض ریاضی تربیت کنیم؛ قرار است یک آموزش دهنده ریاضی تربیت بشود و موضوع سوم، بحث کارورزی ها می باشد. جریان کارورزی در دانشگاه فرهنگیان، باید یک جریان حداقل یک ساله به بالا باشد و یک سال تا دوسال اصلاً نیاز نباشد که دانشجو در کلاس های دانشگاه شرکت بکند؛ بلکه در کلاس درس کنار یک معلم با تجربه، کار یاد بگیرد و حتی کلاس را، خودش اداره بکند. این اتفاق اگر

اتفاق بیافتد و صرفاً برای اخذ مدرک، در دانشگاه های دیگر سرگردان نباشند؛

سوال سوم: اخیراً، نامه ای از سمت آقای دکتر غلامی، وزیر علوم، تحقیقات و فناوری کشور، به مقام معظم رهبری منتشر شد؛ که در آن خواستار حذف دانشگاه فرهنگیان و تغییر مسیر جذب آموزش و پرورش شده بودند. نظر شما در مورد این نامه و مسیر جذب نیروی آموزش و پرورش چیست؟

سیاست های جذب دانشگاه فرهنگیان، باید مطابق با اساسنامه و سند تحول بنیادین انجام شود؛ زیرا اساسنامه دانشگاه فرهنگیان، بر اساس تأکیدات رهبر انقلاب مبنی استفاده از ظرفیت تربیت معلم و احیا آن ایجاد و مصوب شده است و هم مجلس شورای اسلامی و هم کمیسیون آموزش و تحقیقات به جدیت روی آن تأکید دارد. وزیر علوم در مجموعه وزارتی خود، دچار توسعه بی رویه دانشگاه ها شده است و طرح آمایش آموزش عالی در استان ها به صورت ناقص، اجرا شده است و همراه با مشکلاتی بوده است؛ که عملکرد این وزارت خانه را زیر سؤال برده است.

در اساسنامه دانشگاه فرهنگیان، تأکید شده تا از ظرفیت های این دانشگاه، برای تأمین

آموزان به درستی انجام شود، ریشه تمدن سازی صحیح، شکل می گیرد. رونوشت وزیر علوم به روسای سایر دانشگاه ها، این تلقی را به وجود می آورد که نگاه وزیر علوم، بر کردن صندلی های خالی دانشگاه های کشور به قیمت تعطیلی دانشگاه فرهنگیان بوده و با این اقدام، به دنبال فریادرسی از دانشگاه این اقدام، به دنبال فریادرسی از دانشگاه های های قارچی رشد یافته، در کشور است. من از وزیر آموزش و پرورش متعجبم که چرا سکوت کرده تا دانشگاه فرهنگیان به مرکز ضمن خدمت، تبدیل شود!! دانشگاه فرهنگیان، باید به عنوان یکی از افتخارات نظام، ماندگار و پایدار باشد؛ اما با این شرایط، این دانشگاه از بین می رود و مسئولان باید بر اساس وظایف خود عمل کنند. این اشتباه استراتژیک وزیر علوم است که برای تأمین منافع دانشگاه های دیگر کشور و نگرانی از صندلی های خالی آنان به جای ارتقاء وضعیت این دانشگاه و افزایش سرانه های آموزشی، به دنبال تعطیلی دانشگاه فرهنگیان باشد. متأسفانه، طی دوره ای شاهد تحصیل ۲۳ هزار دانشجو در این دانشگاه بوده ایم. افت ناگهانی دانشجویان و جذب آنان به مجموع ۳ هزار نفر در کشور، نشان از روندی نامناسب دارد که طی ۶ سال، سرپرستی، مسئول

این دانشگاه بوده که هرگز در دولت تدبیر و امید

نتوانست حکم ریاست خود را از شورای عالی انقلاب فرهنگی، دریافت کند. وزیر سابق که اکنون عضو شورای عالی آموزش و پرورش شده، خود اقداماتی ضد دانشگاه فرهنگیان دارد در حالی که باید مدافع آن باشد و این نشان می دهد که شورای عالی آموزش و پرورش، همراه با این فضا سازی وزیر علوم است. متأسفانه سرانه کمک های اعتباری دانشگاه فرهنگیان، در میان دانشگاه های کشور در کمترین حالت ممکن است و اکنون نیز وزیر علوم بجای تلاش برای

ارتقای شرایط دانشجویی و دانشگاهی و افزایش فضای آموزشی، به دنبال تعطیلی آن افتاده است. حرکت شتاب زده و غیر مستند دولت در ماه های پایانی خود، نشان دهنده عدم توجه دقیق و عمیق به وضعیت و شرایط این دانشگاه است؛ زیرا نباید مانع از رشد و توسعه دانشگاه فرهنگیان به عنوان مجموعه تربیتی، مهارتی و ارزشی شد. بنده به شورای عالی انقلاب فرهنگی پیشنهاد میکنم، این شورا تمام اختیارات دانشگاه فرهنگیان را همچون تربیت معلم سابق به وزارت آموزش و پرورش واگذار کند تا چشم طمع به تعطیلی این مجموعه، از سوی مسئولان نباشد.

فیل یا الاغ ؟

سید حسین ساریان



در ابتدا می خواهیم بدانیم علت انتخاب و تمثیل این دو حیوان بی نوا به عنوان نماد دو حزب دموکرات و جمهوری خواه چیست؟

تاریخچه تعیین نماد "الاغ" بر روی حزب دموکرات به انتخابات سال ۱۸۲۸ میلادی آمریکا باز می گردد که در طی آن «اندرو جکسون» نامزد حزب دموکرات بود که به سبب داشتن افکار پوپولیستی از سوی رقیبانش، jack ass یا جک الاغ لقب گرفت که اتفاقا از این عنوان خوشش آمد و آن را نماد شجاعت و اراده راسخ خواند!

پس از سال ها، در سال ۱۹۷۰ میلادی ، توماس نست، کاریکاتورست مجلات سیاسی در هفته نامه هارپر باعث شد تا رسماً، «الاغ» بعنوان سمبل شناخته شده حزب دموکرات مطرح شود .

و اما راجع به نماد "فیل" ؛ در سال ۱۸۵۴ میلادی با راه یابی آبراهام لینکن به مجلس سنا و تشکیل حزب جمهوری خواه، پس از ۶ سال وی به عنوان اولین رئیس جمهور حزب جمهوری خواه آمریکا انتخاب شد و در جریان جنگ های داخلی آمریکا که سربازان، فیل را نماد نبرد و مبارزه می دانستند و همینطور چاپ بسیاری از پوستر ها و کاریکاتور هایی با عنوان فیل که در مقابل یک الاغ که لباس شیر را بر تن دارد و حیوانات را می ترساند ایستاده، طرفداران زیادی به خود جذب کرد و اینطور شد که فیل از سوی جمهوری خواهان بعنوان نماد رسمی شان جا افتاد.

و اما اگر به همین جدال اخیر «فیل و الاغ» در سوم نوامبر ۲۰۲۰ بازگردیم ، رقابت میان یک فیل رمیده و ناهنجار به نام دونالد ترامپ که چهره اصلی و شیطانی آمریکا را بازگو می کند و یک الاغ پیر به نام جو بایدن که افکار بزرگ و درعین حال خبیث برای گستردن فرش خونین استبداد و استعمار در سر دارد، می باشد .

حقیقتا همین الاغ یا حزب دموکرات با رفتاری شبیه احمق ها و داشتن افکاری بزرگ برای استحکام نظام سلطه و فرهنگ زور در جهان موفق تر از هر حزب و گروهی بوده اند .



اما عزیزان من! نکته ای که در این بحث مهم است، این نیست که کدام یک از این دو رئیس جمهور آمریکا بشود چراکه به فرموده رهبر فرزانه انقلاب، خواه بایدن بر راس امور باشد خواه ترامپ فرقی ندارد... تنها فرقی که می کند این است که با وجود الاغ ها بر سر کار ، این سیل خونی که از رگ های مظلومان و آزادی خواهان حقیقی این جهان قطعا به راه خواهد افتاد ، اندکی دیرتر گریبان اهریمنان بنیان سوز که قرن هاست با زبان آتش و آهن ، فریاد قهر چنگیزی را در سراسر زمین سر داده اند را بگیرد و سر انجام این خون است که بر شمشیر پیروز می شود .

اما آه و افسوس از کسانی که درون کشور تدبیر مملکت داری را در مذاکره با این زبان نافهم آتشبار می بینند و بجای اتکا به نیروی درونی کشور ، امیدشان به چنگال های خونین استبداد است .

عجیب است که فردای امضای برجام ، وندی شرمین معاون وزیر امور خارجه آمریکا در کنفرانسی خبری می گوید : برجام بی اعتمادی ما را نسبت به ایرانیان از بین نمی برد. ایرانی ها اراذل و اوباش هستند. اما در کشور ما گویی که قلب موجوداتی به نام اصلاح طلب پرچم آمریکاست.

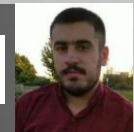
بروید مذاکره کنید؛

اما یادتان نرود که همین جو بایدن، پس از شهادت جانسوز سردار رشید اسلام حاج قاسم سلیمانی، بیانیه ای سخیف و توهین آمیز منتشر کرد و با گستاخی تمام گفت، سردار سلیمانی مستحق مرگ بود و لقب تروریست را که قطعا خودش بیشتر لایق آن بود را به اسطوره ایرانیان، سردار دلها نسبت داد و بسیار عجیب تر و جگرسوز تر اینجاست که سران و روزنامه های اصلاح طلب در صدد اثبات بیگناهی دموکرات ها و آمریکا بر می آیند و فقط شخص ترامپ را قاتل سردار می بینند... دیروز از دیوار سفارت آمریکا بالا رفتند و امروز فرزندان خود را برای تحصیل به آمریکا می فرستند...

شعر آزادی



سید حسین ساریان



حرفی اگر اینجاست

بحثی اگر دارم

به نام آزادی است ...

به نام آزادی چشم و دهن بودند

صاحب قلم بودند

به اسم آزادی خط مرا کشتند ...

به نام آزادی میدان خود بودند

مرد زمین بودند

بازی خود بودند ...

به اسم آزادی سرباز من گم شد

فیل ام زمین خورد و شاه مرا

کشتند...

به اسم آزادی... لعنت به

آزادی ...

به اسم آزادی رای مرا بردند

نان مرا خوردند

چشم مرا بستند

گوش مرا کر شد ...

تعریف آزادی تاریخ آزادی

است...

تحریف آزادی...

یک لکه ی ننگ است

بر قلب آزادی ...

تعریف آزادی تاریخ آزادی

است...

تحریف آزادی...

یک لکه ی ننگ است

بر قلب آزادی ...

تعریف آزادی تاریخ ایران

است ...

دوران مشروطه

ستار و باقرخان

فتح و الفتوحی بر تاریکی تهران

مردانی از جنس آزادی ایران ...

سردار جنگل ها

میرزای کوچک خان

تعریف آزادی

میرزا تقی خان است

حمام کاشان است

میرزای شیرازی است

تعریف آزادی

دکتر شریعت هاست

مرد مصدق هاست

شیخ مدرس هاست

مردانی از جنس آزادی

ایران ...

از ماست آزادی...

تحریف آزادی... امروز آزادی

است

با نام آزادی

با نان آزادی

چشم و دهن بستند

مردان دیروزی با نطق آزادی

با دست آزادی

با پول آزادی

پولی که از خون است

خونی که می ریزد بر فرش

آزادی ...

چشم و دهن بستید ...

صاحب قلم هستم

گوینده شعری از میهنم هستم

مردان آزادی.... بانوی آزادی

این نطق آزادی است

بعدش که میمیرم با نام آزادی ...

آزاد میمیرم

مبهم ترین شعر است

شعری که آزادی است

از ماست آزادی

بر ماست آزادی...



مذاکره ممنوع



عباس محمدی



رهبر معظم انقلاب: مذاکره با آمریکا ممنوع است به خاطر ضررهای بی شماری که دارد و منفعتی که اصلاً ندارد. با نزدیکی به انتخابات آمریکا و کاهش روز افزون ارزش پول ملی و فشار اقتصادی که به دولت و مردم وارد می شود، بعضی سیاستپوین اکثرًا اصلاح طلب که خود با سوء مدیریت و مذاکره ذلیلانه با غرب وضع امنیتی و اقتصادی کشور را مختل کرده بودند مجدداً مذاکره با آمریکا را مطرح می کردند. با برگزاری انتخابات آمریکا و قوت گرفتن رأی آوردن بایدن، مجدداً این زمزمه ها بلند تر شده و سلسله اقدامات مشکوکی هم از سوی دولت که نخبگان را شگفت زده کرده، زمینه سازی برا مذاکره را از سوی دولت به ذهن متبادر می کند. ترخیص چند میلیون کالای اساسی از گمرکات، افت بیش از بیست درصدی قیمت دلار اشاره رییس جمهور به عدم فرصت سوزی و.... در مورد مواجهه با سیاست های دولت جدید آمریکا، دو مورد مطرح است یک اینکه دولت آمریکا به برجام برگردد و تعهدات خود را اجرا کرده و خسارات به ایران را پرداخت کند، در این حال همان طور که رهبر انقلاب گفته اند آمریکا مانند دیگر اعضای ۵+۱ در همان جمع شرکت کرده و صحبت های خود را مطرح می کند اما اگر آمریکا به برجام بازنگردد و خواسته هایی غیر از آنچه در برجام آمده مطرح کند، اینجا قضیه طور دیگری می شود می دانیم که نهایت هدف آمریکا نابودی کلی جمهوری اسلامی و ملت ایران است. خیال آمریکا در برجام از یکی از عوامل بازدارندگی ملت ایران، یعنی توانمندی هسته ای راحت شد اما عامل مهم تر یعنی توانمندی موشکی و نفوذ منطقه ای کشورمان سد راه آمریکا برای رسیدن به نهایت هدف خود است بنابر این هدف آمریکا از مذاکره جدید چیزی جز از کار انداختن این دو عامل بازدارنده نیست تا بلایی که سر مردم و حکومت لیبی آمد سر ایران نیز بیاورد بنابر این مذاکره کردن بر سر این دو عامل یعنی نابودی این نظام و ملت رشید... بنابر این مذاکره ممنوع است... اساساً مشکلات، اقتصادیست که پاشنه آشیل مذاکره شده است. اما آیا تمام این مشکلات اقتصادی مربوط به آمریکا و تحریم هاست؟ بی مبالاتی دولت در کنترل رشد نقدینگی، حبس کردن پول در شبکه بانکی و ایجاد رکود، عدم تولید مسکن، حذف کارت سوخت، عدم ترخیص کالاهای اساسی، بباد دادن ذخایر طلای کشور، پالایشگاه نساختن، خام فروشی نفت، مشکلات ساختاری، بودجه و دهها مورد دیگر از سو مدیریت کار آمریکاست. سیاستمدارانی که با خوشبینی و پشت کردن به مبانی دینی و اعتقادی ۸ سال عمر مملکت را هدر داده و آخر سر ندانستند مشکلات ما در داخل حل میشود، حال مجدداً اشاره به عدم فرصت سوزی میکنند، همان سیاستمدارانی که مذاکره شان با آمریکا محبوبیت آنها را به صفر نزدیک کرد ولی هنوز امید به مذاکره دارند تا شاید دوباره با سراب آمریکا نانی و آبی برای کاسبان مذاکره تهیه کرده و آبرویی برای انتخابات جمع کنند اما هیئات که این ملت رشید اینبار هم به شما اعتماد کرده و امورات خورد را به شما بسپارد.....

چرا رهبری به آینده امیدوارند؟

محمد مهدی کوه نشین



اگر گشت و گذاری در جامعه و حتی فضای مجازی داشته باشید، به راحتی متوجه خواهید شد که بسیاری از مردم و حتی انقلابی ها و مذهبی ها نسبت به پیشرفت

اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی کشور در آینده ناامید و سرشکسته شده اند که متأسفانه برخی دست از تلاش برای پیشرفت کشور برداشته و برخی برای براندازی نظام و ایجاد حکومت جدید تلاش می کنند. گرچه این تلاش باطل هرگز تحقق نخواهد یافت و این انقلاب به حکومت جهانی حضرت ولی عصر(عج) متصل خواهد شد، ان شاء الله.

اما مهمترین دلیل ایجاد ناامیدی در مردم چیست؟

مهم ترین دلیل ناامیدی مردم چیزی جز عملکرد بسیار ضعیف مسئولین اجرایی و بلند پایه نیست که می توان تاثیر آن را در وضع آشفته اقتصادی مشاهده کرد. البته نمی توان نقش اپوزیسیون و رسانه های معاند در تزییق ناامیدی به جامعه را نادیده گرفت. ولی نکته ای که حائز اهمیت است این است که مسئولین نایست به دشمنان و اپوزیسیون این امکان را بدهند که ناامیدی را به مردم القا کنند.

شاید به خودتان بگویید که آری مردم حق دارند که نسبت به آینده نا امید شوند مگر می شود این وضع آشفته اقتصادی و فرهنگی را سامان داد؟ یا با این روندی که طی این چند سال شاهدش هستیم گشایش اقتصادی امکان خواهد داشت؟

اگر به سخنرانی های رهبری توجه کرده باشید متوجه امیدواری ایشان نسبت به آینده خواهید شد. ایشان همواره مردم و بخصوص جوانان را به حفظ امید و تلاش برای پیشرفت توصیه می کنند. اما سوال اصلی اینجا است دلیل امیدواری رهبری نسبت به آینده چیست؟ مگر رهبری از شرایط بد اقتصادی و فرهنگی بی خبرند که اینچنین امیدوار به آینده هستند؟ جواب این سوالات را می توان در سخنان رهبر انقلاب یافت، رهبری در اینبار می فرمایند امروز هم وقتی به خودمان نگاه می کنیم، من سر تا پا امیدم. من با جزئیات مسائل کشور آشنا می و ضعف ها و کاستی ها و ضعف مدیریت ها و ضعف تصمیم گیری ها را می شناسم؛ اما در مقابل آن آنقدر نقاط قوت و رویش را وجود دارد که احساس می کنم ما در بسیاری از موارد فقط یک

اگر سری به تاریخ زده باشید خواهید دید ناامید کردن لشکریان حق یکی از مهم ترین سلاح های لشکریان باطل بوده و از این اقدام ناپسند بسیار بهره برده اند چرا که ناامیدی یک امت زمینه شکست و سرافکندگی آنهاست لذا رهبری و بزرگان همواره مردم و بخصوص جوانان را به امید توصیه می کنند. پیشرفت و طرقي هر جامعه در گرو حفظ امید و تلاش برای بدست آوردن هدف است. این مشکلاتی که ما داریم چه اقتصادی چه فرهنگی و چه اجتماعی و... قابل حل است به شرطی که نا امید نشده و دست از تلاش برنداریم و در انتخاب هایمان دقت کنیم. پیروزی جبهه حق بر علیه باطل وعده خداست و خداوند کسانی را که او را یاری کنند یاری می کند «ان تنصروا الله ینصرکم و یثبت اقدامکم» یا «و لینصرن الله من ینصره» لذا هرگز ناامید نشوید چرا که وعده خداوند صادق است و بدون شک این وعده عملی خواهد شد. به امید روزی که جهان از دست ظالمان رهایی یافته و آمریکا همچون کشتی تایتانیک غرق و حکومت فاضله امام زمان(عج) در تمام جهان گسترده شود.

نقش خواص در جامعه



سجاد موسوی



به نظر شما جامعه (چه این طرفی و چه آن طرفی) در یک نگاه کلان چگونه تقسیم میشود؟ چه طیف هایی در هر جامعه ای حضور دارند؟ بله در یک نگاه از بالا به جامعه ؛ مردم دودسته اند: عوام و خواص یا به عبارتی رهرو و رهبر تا حالا در مورد این دو گروه اندکی به تامل نشسته اید؟ اکنون فرصت خوبی است. میخواهیم اندکی با هم باشیم و همراه هم نظاره گر نقش خواص در جامعه شویم ... اجازه بفرمایید ابتدا مثالی بزنیم ... خب سوار ماشین تاریخ میشویم و برمیگردیم به ۱۳۸۱ سال پیش؛ روز یتیم شدن امت اسلام ؛ روز شهادت حضرت اباعبدالله علیه السلام سال ۶۱ هجری راستی چی شد که نمونه کامل انسانیت به این وضع عجیب به شهادت رسید؟ خبیث بودن بنی امیه به کنار ؛ جامعه چه بلایی به سرش آمد که توانست این اتفاق را تحمل کند؟ مگر جامعه؛ جامعه ای اسلامی نبود؟

مگر ۵۰ سال قبلش در همین جامعه حضرت رسول صلی الله علیه وآله امام جامعه نبود؟ چه اتفاقی در این نیم قرن رخ داد که فرزند رسول خدا این گونه به شهادت رسید؟

خواص جامعه در سال ۱۰ هجری .. با تمام احترام برای برادران اهل تسنن مان خواص در سال ۱۰ از فرهنگ غدیر چشم پوشیدند و فرهنگ سقیفه را پذیرفتند و جامعه را از هدایت امامی معصوم دور کردند این کارشان سبب شد آهسته آهسته جهت جامعه اسلامی به سمتی برود که حتی امام معصوم را نتواند تحمل کند چه برسد به اینکه بخواهد رهبری خود را به دست ایشان بدهد شاید خود خواص در سال ۱۰ هجری فکرنمیکردند علم کردن سقیفه در برابر غدیر؛ سبب چنین اتفاقی در سال ۶۱ بشود اما این انحرافشان سبب شد زمام جامعه اسلامی کم کم به دست بنی امیه بیفتد ؛ بنی امیه ای که کاملاً خودشان در فرهنگ مقلبل اهل بیت را تعریف کرده بود و میخواستند در پوشش اسلام نعوذ بالله ریشه اهل بیت را و در واقع ریشه انسان های ملکوتی را قطع کنند.

بله عزیزان ! این خواص ورهبران هر ملت وامتی هستند که میتوانند با جهت گیری های خود مسیر تاریخ را عوض کنند. فکر کنید سال ۱۰ هجری

فرهنگ غدیر همان گونه که باید حفظ میشد آیا کربلا رخ میداد؟ آیا کسی مثل یزید میتوانست خلیفه مسلمین شود؟ آیا وضع امروزی جهان اسلام این گونه بود؟ فتأمل جیدا ... (خوب تامل کن) خواص یک جامعه یعنی کسانی که نگاه عوام به سمت آن هاست ؛ یعنی کسانی که میتوانند همچون

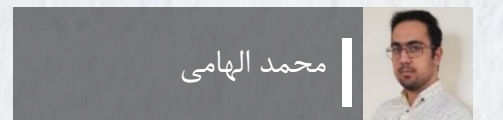
ریلی مسیر قطار جامعه را تعیین کنند؛ یعنی کسانی که در جامعه مستقل اند و عوام وابسته به آن ها؛ و عوام وابسته به آن ها؛

فرهنگ غیرقدسی فهمیده است که برای تغییر یک جامعه به سمت خواسته های خودش باید روی افکار و مغزها کار کنند آن هم نه در افکار تک تک مردم بلکه ابتدا خاص هر جامعه ای را شست و شوی مغزی می دهد و سپس او را بین مردم می فرستد و این انسان غیر قدسی همچنین و ویروس کووید ۱۹ با سرعت بسیار زیاد در کارش را به بین مردم نشان می دهد و آنها را به بیماری کرونا روزمرگی مبتلا می کند. علی ای حال باید مراقب بود که خواص جامعه و نباید کورکورانه به دنبالشان رفت به عنوان تتمه

بحث عرض کنم که به نظر حقیر معلمان یک جامعه می توانند جزو خواص آن جامعه باشند به کدام سمت می روند یعنی اگر کیس و مومن باشند می توانند در ریلگذاری جامعه به سمت اهداف قدسی و ملکوتی شدن انسان ها تأثیر بگذارند. به قول حضرت آیت الله جوادی، معلمان باید در سطح خود امام (برای مامومین خود که شاگردانشان باشد) شوند امام یعنی رهبر یک گروه، یعنی پیشوا، یعنی کسی که می تواند مامومین خود را به بهشت یا جهنم برساند. ببخشید مزاحمتان شدم...

هر معلمی، امام ماموم خود که شاگردانش هستند می باشد. این معلم باید طوری باشد که شاگردانش بتوانند به قیام و قعود او اقتدا کنند و وجود او سراسر نور باشد. این تربیت در متن دین نهفته است ما باید دنبال این تربیت باشیم این طیب و طاهر بودن معلم است که تعلیم را تربیت برمی گرداند اگر آموزش و پرورش دنبال تحول است، معنای حقیقی تحول همین است که معلمان در سطح خود امام شوند.

سرپرست جدید دانشگاه کیست؟



محمد الهامی

عرض سلام و تبریک دارم خدمت جناب آقای دکتر نظری سرپرست جدید دانشگاه فرهنگیان خراسان شمالی .

۱. جناب آقای دکتر نظری در ابتدا تقاضا دارم درباره خود و سوابق کاری خود مختصراً توضیح بدهید.

بسم الله الرحمن الرحيم ، بنده هم از تشکل بسیج دانشجویی بابت تدارک دیدن این مصاحبه تشکر میکنم.

من محمدعلی نظری ، دانش آموخته تربیت معلم امام محمد باقر (ع) و دکترای علوم قرآن و حدیث از دانشگاه فردوسی مشهد می باشم. بعد از فارغ التحصیلی از تربیت معلم امام محمد باقر

(ع)، ۱۳ سال ، به عنوان مدیر یا معاون در منطقه مانده و سملقان خدمت کردم و بعد به بجنورد و سپس به دانشگاه فرهنگیان که البته آن زمان هنوز به اسم تربیت معلم امام محمد باقر (ع) شناخته می شد؛ منتقل شدم. در سال ۱۳۸۹، معاون آموزشی دانشگاه بودم و تا نزدیک چهار سال در این سمت مشغول فعالیت بودم و بعد از آن به عنوان هیئت علمی در دانشگاه ، مشغول به تدریس شدم. تا اکنون پنج جلد کتاب تألیف کرده‌ام و در زمینه علوم قرآنی و حدیث، مقالاتی در سطح همایش های ملی و بین المللی نوشته ام.

۲. نظر شما در مورد تشکل های دانشجویی علی الخصوص تشکل بسیج دانشجویی چیست؟

تشکل های دانشجویی در یک مجموعه، بازو های حمایتی مدیران در آن مجموعه دانشگاهی هستند؛

یعنی هرچه تشکل های دانشجویی در یک مجموعه فعال تر باشند، این مجموعه پیشرفت بیشتری خواهد داشت که آن هم مطلوب مدیر مجموعه است؛ بنابراین تمامی تشکل ها که با دید مثبت و قابل اعتماد به

همه آنها نگاه می کنم، بازوان مدیر دانشگاه هستند و از همه آنها می خواهم در زمینه پیشرفت دانشگاه هر طرح و ایده ای که منطقی، قابل قبول و قابل اجرا باشد، جمع آوری کنند و به مدیر مجموعه تحویل بدهند که این کار پسندیده موجبات رشد مجموعه را فراهم می کند؛ اما چون بنده افتخارم این است پس از پیروزی انقلاب اسلامی و زمان جنگ، تا الان بسیجی بوده ام و بسیجی هستم، از این رو به تشکل بسیج بسیار علاقه مند هستم.

البته بقیه تشکل ها نیز در نزد من دوست داشتنی و محبوب هستند و همه را به چشم افراد مخلص و زحمتکش نگاه می کنم؛ اما چون خودم بسیجی بوده ام بسیج در نگاه من جایگاه ویژه ای دارد.

۳. برنامه ها و اهداف شما برای ارتقای دانشگاه فرهنگیان استان چیست؟ و الویت کار خود در دانشگاه را در کدام بخش می دانید؟

در جهت ارتقاء سطح دانشگاه باید آن را به چند بخش تقسیم کرد: ۱. بخش فرهنگی ۲. بخش آموزشی ۳. بخش شبانه روزی یا سرا های دانشجویی ۴. فضای فیزیکی

که برای هر یک از این بخش ها برنامه هایی داریم که انشاء الله با همکاری همکاران و دانشجویان به این اهداف دست پیدا خواهیم کرد ، تا دانشگاه فرهنگیان خراسان شمالی در رتبه بندی دانشگاه های کشور به رتبه های تک رقیمی برسد؛ اما در خصوص اولویت بین این بخش ها مسائل فرهنگی در اولویت همه موضوعات است ، زیرا اگر در دانشگاه و هر مجموعه دیگری مسائل فرهنگی رشد کند و دانشجویان به بلوغ فرهنگی لازم برسند، سایر بخش ها نیز به دنبال آن رشد مطلوب را خواهند داشت ؛ اما این مسئله به معنای عدم اهمیت یا غفلت از سایر بخش ها نیست.

۴. با توجه به شیوع ویروس منحوس کرونا اندکی ارتباط دانشجوی و

مسئولین دانشگاه کم شده است با این حال اگر دانشجویی بخواهد با شما ارتباط برقرار کند باید از چه طریقی اقدام کند؟

” در جهت ارتقاء سطح دانشگاه باید آن را به چند بخش تقسیم کرد: ۱. بخش فرهنگی ۲. بخش آموزشی ۳. بخش شبانه روزی یا سرا های دانشجویی ۴. فضای فیزیکی

نحوه ارتباط با مدیر دانشگاه، بسته به نوع آن کار دارد. باید برای رسیدگی به یک کار در یک مجموعه، سلسله مراتب رعایت شود. مثلاً اگر دانشجویی کار آموزشی دارد باید ابتدا به آموزش مراجعه کند، اگر کار فرهنگی دارد باید ابتدا به معاونت فرهنگی مراجعه کند؛ اگر نتیجه نگرفت؛ در مرحله بعد به سرپرست و رئیس پردیس مراجعه کند و در نهایت اگر کار به نتیجه نرسید؛ به مدیر استانی مراجعه کند. این را از این جهت می گویم که گاهی بعضی از دانشجویان راه میانبر را انتخاب می کنند و این کار

باعث بی نظمی در جریان طبیعی اجرای امور می شود. از این جهت، باید سلسله مراتب را رعایت کنید و اگر مورد به نتیجه نرسید آن وقت نهایتاً به مدیر استانی مراجعه کنید. برای آن که انسجام و نظم در یک مجموعه رعایت شود؛ معمولاً مدیران آن مجموعه، وقتی را برای ملاقات عمومی در نظر می گیرند که بنده هم از این قاعده مستثنی نیستم؛ البته الان که شرایط ویژه است، ولی به لطف خدا اگر بیماری بر طرف شود و دانشگاه به روال سابق خود برگردد؛ یک وقت را بابت ملاقات عمومی تعیین می کنیم و در وقت های دیگر، غیر از این وقت ملاقات عمومی، حداقل امکان در بین دانشجویان حضور پیدا خواهیم کرد تا دانشجویان از نزدیک و بدون واسطه صحبت های خود را منتقل کنند.

و در آخر؛

تشکر ویژه ای داریم از جناب دکتر نظری، بجهت اینکه برای ما یعنی مجموعه نشریه صریح، اهمیت قائل شده و در تهیه این مصاحبه با ما همکاری کردند و از خداوند متعال موفقیت و سربلندی ایشان، در این سمت جدید را خواستاریم.



ازدواج دانشجویی



محمد ریحانی



چه زیبا طوفانیست که دو قلب را بلرزاند و در این دنیای سرد و بی رحم آنها را بهم برساند. ازدواج این امر مقدس و پاک که با افزون شدت آن در جامعه، پاک میکند غبار آلودگی هایی را که میکوشد یقیه ی هرجوانی را بچسبد و او را از

جایگاه پاک آدمیت به گودال تاریکی مطلق بکشاند... با رسیدن دو جوان به یک دیگر خدا خوشنود و خرسند میشود. چرا کد خدایان وضعیتی ایجاد کرده اند که در آن پسران حتی میترسند که اسم ازدواج را بگویند؟ و افسوس آنجاست ک اینان گویا درک نکرده اند که هر دیر شدنی در زندگی یک جوان برای ازدواج، چه عواقب شومی برای خود او و علی الخصوص جامعه دارد.

من از پدر و مادر ها خواش و تمنا دارم که زندگی را به جوانان برای ازدواج سخت نگیرند. چرا حتما ابتدای زندگی باید فلان قدر جهیزیه؟ چرا فلان قدر طلا؟ بابا سخت نگیرین مگه خود شما اول زندگی خداتومن طلا داشتید؟ خدا تومن جهیزیه داشتید؟ با سخت گرفتن شما تک تک جوانان ما به تباهی کشیده میشن ...

زیبا ترین ازدواج، ازدواج دانشجویی است، چون در اوج جوانی به پاکی عمیقی میرسین. سخته میدونم، شرایط واقعا نامساعد اما خدا یاور شماخواهد بود، شک نکنین با همت و تلاش و بااین حقوقی که دارید و کمکای بزرگتر ها و همچنین تلاش مسئولین که فعلا در خوابند!!! ان شاءالله بیدار شوند اوضاع بهتر و بهتر میشود

به آینده امیدوار باشیم.

نکته بعدی ،ضعف شدید رسانه های خودی است که فرصت می دهند به رسانه های بیگانه تا سبک زندگی خود را خوراک بچه های ما بکنند،چرا امروزه رسانه که بخش مهمی از زندگی مردم را در برگرفته، به جای این که بیایند و فرهنگ ناب ایرانی و اسلامی را با فیلم های خوبشان پر کنند ما فقط هرساله شاهد دیدن فیلم هایی هستیم که منجر به طلاق می شود؟ و امید به اصلاح این موضوع است ...

نکته آخر را هم اینگونه بگویم: گرچه باید خود ازدواج را آسان بگیرید ،اما در انتخاب خود خیلی آسان نگیرید، قرار است عمری زندگی را کنار او زندگی کنید، در این باب با خانواده ها مشورت کنید ،این را نگویید که من باید خودم انتخاب کنم، زندگی من است و به کسی ارتباطی ندارد.

خیر این خیلی اشتباهه، درسته شاید بگین بعضی پدر مادرا سواد ندارند، اما کوله باری از تجربه هایی هستن که هنوز شما در راه تجربه کردن آن هستید، پس براحتی از این تجربه های در دسترس نگذرید، صبر را در زندگی خود در اولویت بگذارید ،قرار نیست همه روزها خوش و خرم باشد گاهی پیش می آید که مشکلاتی در زندگی ظهور میکند مهم این است که با ظهور این مشکلات خود را نیازید و با یاری خداوند مشکلات را پشت سر بگذارید و در آستانه دلخواه زندگی مشترکی برسید.

در مرداب، به انتظار



محمد ریحانی



در تب و تاب بی کسی هایم، در افسوس تنهایی هایم، در لحظه های سرد و طوفانی زندگی ام، چشمانم انتظاری جز عشق آتشین تو را نمیکشد. آقای من!

از چه گویم برایت، از نفسای سرد آدمیت یا از بی مهری طبیعت؟ نمیدانم، تو خود بهتر میدانی که وضع ما اکنون چگونه است، در دنیای که به شمارش ثانیه ها، انسان ها میمیرند و آدم ها دیگر حتی نمیتوانند لحظاتی در کنار هم حضور پیدا کنند، این زندگی طلب تو را میکشد؛ آقای من!

آقا کجایی! چرا نمی آیی چرا این همه به عاشقانت درد دوری میدهی؟ آقا جان بد وضعی شده دلها مون، توی تاریکی عمیقی فرو رفته، آنقدر درد داریم که وقتی حرف میزنیم، از نفس هایمان خون و چرک و گناه بیرون میریزد. هم شرمساریم، هم محتاج، هم خسته ایم و هم سرگشته، انتظار تو را میکشیم، چرا نمی آیی؟ میگویند قرار است تو روز جمعه بیایی؛ اما با هر جمعه ای ک تو را پیدا نمیکنیم، چشم هایمان را میبندیم و چقدر غروب خورشید دردناک است، چقدر ثانیه ها دیر میگذرد از دقایق که دیگر چیزی نگویم.

آقا جان بیا، بد دردی این دوری، دیگر یعقوب چشمانی برای گریستن ندارد، پیراهن یوسف را دریافتیم، خودت کجایی؟!

میدونی آقا، ما آدم ها خیلی نامردیم وقتی که درد و رنج و گرفتاری داریم؛ یاد تو می افتیم و گریه کنان طلب آمدنت را میکنیم؛ وقتی همه چیز خوب است، وقتی حالمان خوب است، حتی خودمان را فراموش میکنیم؛ اما تو از این انسان های ناسپاس، بگذر از من بی مرام بگذر، تو دستمون و بگیر، این منجلا ب داره مارو به نابودی میکشه، مارو به جایگاه آدمیت بکشان، آقا خسته ایم خسته...

آینده از آن کیست؟

سجاد اسدی



آموزش، کلمه ای که هر دانشجومعلمی با اون آشناست و میتونه اون رو به خوبی تعریف کنه، اما آیا تعریف ما از آموزش در آینده هم به همین شکل باقی میمونه؟ به نظر شما آموزش و پرورش در آینده چه چهره ای به خودش میگیره؟ جایگاه ما نو معلم ها کجاست؟ (البته اگه وروجک های دهه نودی و قرن چهاردهی جایی برامون بزارن!) با توجه به این تفاسیر قصد داریم در قالب چند مقاله، جدیدترین تکنولوژی های آموزشی جهان رو با هم بررسی کنیم، پس پیشنهاد میکنم شماره های بعدی صریر رو از دست ندید.

از زمانی که اولین رایانه اختراع شد و بعد از اون فناوری اطلاعات پا به عرصه دنیا گذاشت، تقریباً همه جنبه های زندگی ما انسان ها دستخوش تغییر شده، و آموزش و پرورش هم از اون مستثنی نبوده، اما آیا ما متوجه این تغییر هستیم؟ تا حالا هیچ تلاشی کردیم که از این فناوری ها استفاده بکنیم؟ یا فقط به نصب تخته های به اصطلاح هوشمند توی کلاس ها و یا ارائه درس و کنفرانس از طریق پاورپوینت بسنده کردیم؟ آیا واقعا توی قرن ۲۱ بهره ی ما از فناوری اطلاعات همین هاست؟

درست در زمانی که ژاپن مدارس خودش رو با سیستم

گجت های آموزش نوین دیگه برای درگیری بیشتر دانش

و excel رو یاد میگیرن. آیا این میزان از فاصله قابل قبوله؟ البته باید ابتدای بحث یادآور بشم که تکنولوژی

آموزشی، فقط محدود به فناوری ها و گجت های هوشمند نمیشه، بلکه روش های تدریس نوینی مثل PBL

و یا روش طراحی تفکر رو هم شامل میشه که از قضا تو این حوزه هم جای کار زیادی

داریم. توی این شماره به بررسی روش تدریس PBL یا یادگیری مبتنی بر مسئله

میردازیم. یکی از جالب ترین و اثربخش ترین روش هایی که شاید تا به

حال به اون بر خورده باشید؛ این روش تدریس اولین بار در سال ۱۹۵۰

دانشجویان پزشکی طراحی شد، اما بعد از چند سال به صورت گسترده

در دیگر رشته های دانشگاهی و سپس مدارس مورد استفاده قرار

تعریف ساده اون اینه که "کودک در جریان حل مشکلی پیچیده یاد

میگیرد"، به عبارتی وقتی کودک درگیر حل مسئله میشه دست به

تحقیق و مطالعه اثر بخش میزنه، ابتکار عمل به خرج میده، مشارکت و مباحثه علمی میکنه تا موفق به حل مسئله بشه. به عنوان مثال

در درس مطالعات اجتماعی گروهی از دانش آموزان مامور میشن به عنوان دیپلمات جنگی شبیه سازی شده بین دو کشور رو به صلح

تبدیل کنن و یا در درس ادبیات یک رمان و یا داستان ادبی رو به فیلمنامه و یا نمایشنامه تبدیل کنن.

مراحل اصلی PBL شامل: ۱- شناسایی و یا معرفی مشکل ۲- ارائه راه حل ۳- پیاده سازی و اجرا ۴- ارزیابی روند هست.

در انتها علاوه بر دانش اثر بخشی که دانش آموزها برای حل مسئله یاد میگیرن ویژگی های شخصیتی هم در اونها شکل میگیره:

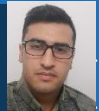
استقلال از معلم، ابتکار عمل، سرسختی در یادگیری، اعتماد به نفس، خودانگیزی در یادگیری و ...

امیدوارم شما هم به این روش تدریس علاقه مند شده باشید و بعد از فارغ التحصیلی ازش استفاده کنید.

وضعیت دانشجو معلمان و کرونا



رضا دلیرانی کیکانلو



دانشجویان در بیست و چهار ساعت شبانه روز چه میکنند ؟ اغلب دانشجویان ، این ایام را بدین منوال می گذرانند: ۱۶ساعت مختص کلاس های مجازی و تکالیفش است، بجز رو .

جمعه، که دانشجو کلا به فکر تحویل تکالیف شنبه است، هشت ساعت دیگر راهم در حال

استراحت است حال امکان دارد بپرسید چطوری ۱۶ساعت را دانشجو صرف مشکلات کلاس مجازی و درس می کند، به شما می گویم: کلاس شنبه که

۸صبح برگزار می شود از ساعت ۷صبح، باید سامانه را امتحان کند که آیا سامانه امروز با من لج کرده است یا خیر؟ خدا نکند که لج کرده باشد ،دیگر

باید قید کلاس های آن روز را زد و دنبال غیبت در باغ و گلستان بود و اگر هم سرسازگاری داشته باشد که دیگر بدتر ، دانشجو در سامانه هست، اما

صدا یا تصویر را ندارد و نصف کلاس را باید به استاد، توضیح دهد که چرا صدا و تصویر نیست!! می دانی چه چیزی آدم را حرص می دهد؟! اینکه یکی

از دانشجویان در همان حین بگوید استاد صدا عالیه... حتی فکر کردن بهش حالمو خراب میکنه جالب اینجاست باقی مانده کلاس را صرف این می کند

که آیا در کلاس حاضر بوده یا غایب؟ بعد از اینکه حاضر بودنش ثابت شد تا اینکه دانشجو می خواهد به کلاس توجه کند بفهمد استاد زن بوده یا مرد و

اصلا موضوع چیست؟ باید خسته نباشید به استاد بگوید زیرا کلاس بعدی در شرف آغاز است و پنج دقیقه، حداقل برای ورود به کلاس بعدی نیاز دارد...

الان که عمیق به این ماجرا فکر میکنم می بینم که در کلاس حضوری استراحت دانشجو معلمان خیلی بیشتر از کلاس مجازی بود. دانشجو ها خیلی

دلتنگ دانشگاه هستند... شاید باخودتون بگید یعنی امکان داره این دانشجوها اینقد پیگیر درس و کتاب باشند؟ جواب این سوال را نمی دهم، برایتان

آشکار خواهد شد: قبل از این ایام آنها سه روز از هفته کلاس می رفتند و شب ها تا ساعت ۶ صبح بیدار بودند... درست است، آنها به قدر کافی خسته

هستند که سرکلاس ساعت ۷ صبح خوابشان ببرد. آنقدر خسته که استاد آنها را از خواب شیرین صبح بیدار می کند. درست است که خواب، خوش می

آید، اما نه دیگه سر کلاس... وضعیت دانشجویان دیگر هم که خواب نبودند هم اینگونه است که فقط چشم باز است ولی نسبت به کسانی که سر خود

را روی میز گذاشته اند وضع بهتری دارند ، یادش بخیر چه روز هایی که چشمانمان باز بود و به استاد گوش می دادیم... خواب بودیم. و چه لالایی

زیبایست صدای استاد!! این وضع بعد از ظهر ها جالب می شد وقتی در سلف همراه غذا به دانشجو ها دوغ میدادند این دوغ حکم ده قرص خواب را

داشت، چنان دانشجو را به خواب میبرد که گویی بیهوش شده و از حال رفته است. الان را نمی دانم ساعت خوابتان چطوره اما امیدوارم که خواب خوبی

داشته باشید ،البته در کلاس های آنلاین . همه اینها که گفتیم یک طرف، ترم بالایی های دانشگاه هم یک طرف کل دنیا و دانشگاه و نمره برای آنها

معنی ندارد، فکر نکنم یک جلسه هم در کلاس مجازی شرکت کرده باشند و اصلا نام سامانه آموزش را بلد باشند . کلا عقیده دارند که همه چیز الکیه

آدم باید دلش خوش باشد!!، اینا همون کسانی اند که تو خوابگاه تا دست کسی کتاب می دیدند یا بهش تیکه مینداختن یا آنچنان با چشم حقارت

بهش نگاه میکردند و بعد با تکان دادن سر مکان را ترک کرده و زیر لب به حرفایی رو زمزمه می

شیرجه برنه تو زمین، نمی دانم چرا ولی وجود دانشگاه بدون آنها صفا ندارد

و البته هستند ترم بالایی هایی تشویق میکنند و باعث دلگرمی دانشجویان

به درس خواندن کتاب و درس به درس خواندن کتاب و درس

دانشجو های عزیز جدای از وقت اضافه زیادی ،خواهید

تلاش برای وصل شدن به کلاس کتاب های مفید زیادی

برای بیرون رفتن این ویروس خانواده دوم طلب عنایت خداوند

کلاس کتاب های مفید زیادی

برای بیرون رفتن این ویروس خانواده دوم طلب عنایت خداوند

کلاس کتاب های مفید زیادی

برای بیرون رفتن این ویروس خانواده دوم طلب عنایت خداوند

کلاس کتاب های مفید زیادی

برای بیرون رفتن این ویروس خانواده دوم طلب عنایت خداوند

کلاس کتاب های مفید زیادی

برای بیرون رفتن این ویروس خانواده دوم طلب عنایت خداوند

کلاس کتاب های مفید زیادی

برای بیرون رفتن این ویروس خانواده دوم طلب عنایت خداوند



جدید الورد ها



سید محمد موسوی

قبل از پرداختن به موضوع اصلی مون، به خدایقوت ویژه میگم خدمت

نودانشجویان عزیزی که بعد از پشت سر نهادن چالش تعویق یا لغو کنکور،

بالاخره به جرگه دانشجویان پیوستن. هر چی که بود، امروز شما عزیزان در

جایی قدم گذاشتید که در اون علاوه بر علم، معرفت انسان هم میتونه به

بالاترین مرتبه خودش برسه اگر به منبع بی بدیل عرفان الهی متصل بشه و

اونوقته که منادی حیات طیبه خواهید بود. بگذریم...

از اونجا که در این شرایط کرونایی، "دانشجو بودن" تنها به شرکت در کلاس

های آنلاین محدود شده و شما جدیدالورود های عزیز هم به زودی تجربه

اش خواهید کرد، بنابراین در این نوشته مختصر، گریزی متفاوت به کلاس

های آنلاین می زنیم. (متن صرفا جنبه طنز داشته و قصد اهانت به هیچ

شخصی را ندارد!)

یه جمله ای پای ثابت تمامی کلاس های آنلاین هست که هم از طرف استاد

و هم از طرف دانشجو به وفور استفاده میشه! اونم اینه: «صدای بنده رو

دارید؟!» به همون نون و نمکی که در سلف دانشگاه با همدیگه خوردیم در

یه کلاسی حدود نیمی از وقت کلاس رو به رد و بدل کردن این جمله بین

استاد و دانشجویان گذروندیم! یه مسئله لاینحلی که برای خود من باقی

مونده اینه که استاد پرسید: صدای منو دارین؟ بلافاصله یکی از دانشجو ها

پاسخ داد: نخیر استاد، صدای شما رو نداریم! در این میان برخی از دانشجویان

پا رو فراتر گذاشتن و با این جمله شروع می کنن: الو! سلام! صدای منو

دارین؟ (الو چیه آخه دوست عزیز؟! تلفن که نیست...)

وسط یکی از کلاس ها تلفن همراه استاد زنگ خورد، استاد هم بلافاصله

جواب داد. صدایی که به وضوح شنیده می شد این بود: سلام باباجون...

کجایی؟! کی میای خونه؟! استاد هم که متوجه پخش صدا شد، اومد مثلا

درستش کنه، اینجور جواب داد: سلام علیکم، وقت شما بخیر، بنده الان سر

...کلاس هستم، بعدا با شما تماس می گیرم

از شما چه پنهون یه بار در کلاس آنلاین استاد سوالی رو پرسید و میکروفون

یکی از دانشجویان رو برای پاسخ گویی فعال کرد، اون دانشجو هم به محض

اینکه می خواست جواب بده، ناگهان در کل کلاس مجازی فقط این عبارات

شنیده می شد: نان خشکیه! نان خشک! آهن کهنه... . باور کنید برای لحظاتی

ما نه صدای استاد رو داشتیم و نه صدای دانشجو رو. تنها صدای نمکی میومد

و دیگه هیچ! تازه ماجرا اونجایی کمدی میشه که استاد تا میخواست ادامه

بده از میکروفونش این صدا به گوش می رسید: سیب زمینی، گوجه، گل

کلم...

اما در مورد گروه لیان شان پو خدمت همکاران جدیدالورود خودمون باید

عرض کنم که این گروه که اعضای اون رو دانشجویان خاصی تشکیل میدن،

در خوابگاه، کلاس و الان هم در کلاس های آنلاین حضور دارن.

گروه لیان شان پو در کلاس درس خیلی خطرناک عملیات می کنن. مثلا یه

موردش که حتما شما هم برخورد داشتید، اینه که استاد میگه من برای

امتحان تون جزوه و فایل پی دی اف در اختیارتون قرار میدم، همون منبع

امتحانه. اونوقت این گروه اصرار میکنند که استاد تو رو خدا به ما کتاب برای

امتحان معرفی کنید... یا مثلا استاد اومده سرکلاس و فراموش کرده باید

امتحان بگیره، اعضای گروه لیان شان پو با افتخار و خوشحالی اعلام می کنن

که: استاد قرار بود فلان کار رو انجام بدید... . گروه لیان شان پو در کلاس

های آنلاین به طور مخوفی چهره عوض کردن. اونها در کلاس آنلاین خود

اساتید هستن. تا همین چند وقت پیش ما در به در دنبال استاد لیان شان

پو بودیم که باهاش ارتباط بگیریم. که بهشون اطلاع بدیم لطفا تشریف بیارید

و برای ما کلاس برگزار کنید تا درسمون حذف نشده! از تدریس اساتید لیان

شان پو در کلاس آنلاین هم که اگه هیچی نگیم، سنگین تریم.

فعالیت گروه لیان شان پو در خوابگاه بسیار ترسناک هستش.

مثلا طبق نقل هایی که من شنیدم، این گروه نیمه شب حول و

حوش ساعت ۳ صبح که اکثر دانشجویان(به جز اندکی) خواب

هستن، با هجوم به اتاق ها، یه دانشجوی بی نوا رو در حالی که

خوابه، از تخت پایین میندازن و خلاصه با جشن پتو این بنده

خدا رو مورد عنایت قرار میدن. البته طبق نقل هایی این داستان

جزء اساطیر و افسانه های خوابگاه قلمداد شده، اما خوب منابع

زیادی هم این ها رو تایید کردن...



شاعرانه

معرفی ناصر حامدی



محمد بهاریان



ناصر حامدی متولد سال ۱۳۵۵ در شهر زیبا و جنگلی ماسال ، از توابع گیلان است و مدرک تحصیلی ایشان کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی است، وی پس از گذراندن تحصیلات متوسطه برای تحصیلات دانشگاهی به استان سمنان، استانی که اکثر مردم کشور آن را با شخصیت های ادبی بزرگی همچون شیخ ابوالحسن خرقانی، بایزید بسطامی، منوچهری دامغانی و شیخ علاالدوله سمنانی می شناسند آمد و حدود ۲۰ سال می شود که مهمان مردم مهمان نواز سمنان است و ایشان یکی از دلایل علاقه مندی به سرودن شعر را تاثیرات آب و هوا و مناظر زیبای استان گیلان می داند.

قالب اکثر اشعار ناصر حامدی غزل است و نظر ایشان در مورد خداوندگار غزل عاشقانه، سعدی و حافظ شیرازی این است، سعدی معلم عشق من و بزرگ انسانیت بوده است. معتقدم هنوز هم سرباز غزل هستم و سعدی هم معلم بزرگ غزل بوده است. اما حافظ را مثل پرنده ای می دانم که از پرواز آن لذت می بریم و یا مثل آب است که به شکل هر ظرفی در می آید. هرکس از اشعار حافظ برداشت خودش را دارد، دیوان حافظ همواره در کنار قرآن کریم قرار داشته است به طوری که ، مثل استخاره ای که از قرآن انجام می شود از دیوان حافظ نیز تفعل می گیرند. حافظ، نفس در نفس قرآن داشته است و خود را مدیون قرآن می داند. حافظ، اشعار خود را زمزمه قدسیان آسمانی می داند و می گوید "هرچه کردم همه از دولت قرآن کردم..."

از آثار این شاعر بزرگوار می توان به: «ترانه های زیستن»، «چم به را» رظ(شعرهای تالشی)، «قطار روم-خراسان» «باشد برای بعد»، «شب دنباله دار»، «درخت سوخته در باران: گزارشی منظوم از دعای ابوحمزه ثمالی» و «از تو چه پنهان» اشاره کرد.

در ادامه بخشی از اشعار ناصر حامدی:

دوست دارم بروم، سر به سرم نگذارید

گریه ام را به حساب سفرم نگذارید

دوست دارم که به پایوسی باران بروم

آسمان گفته که پا روی پرّم نگذارید

اینقدر آئینه ها را به رخ من نکشید

اینقدر داغ جنون ، بر جگرم نگذارید

چشمی آبی تر از آئینه گرفتارم کرد

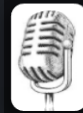
بس کنید این همه دل ، دور و برم نگذارید

آخرین حرف من اینست زمینی نشوید

فقط از حال زمین، بی خبرم نگذارید !



مشکلات دانشجویی



محمد الهامی



با توجه به شیوع ویروس منحوس کرونا در کشور، نظام آموزش عالی کشور به سمت آموزش مجازی رفته است، اما متأسفانه استفراغ نظام آموزش عالی کشور بر روی سامانه ای به نام lms حال هر دانشجویی را از درس، کتاب و تحصیل به هم می زند و سوالی که در اینجا اذهان را درگیر خود می کند این است که آیا مسئولین از احوالات دانشجویان خود باخبر اند؟ یا بهتر بگویم آیا اصلاً از وظایف خود مطلع اند؟

طبق بخشنامه ارسالی معاونت آموزش و تحصیلات تکمیلی دانشگاه فرهنگیان به دانشگاه های فرهنگیان



استان های مختلف، برای دانشجو معلمانی که تایید شوند که امکانات اینترنتی لازم برای دسترسی به کلاسهای برخط (online) را ندارند باید ترتیبی اتخاذ گردد که محتوای درسی هر جلسه از کلاس تهیه و در اختیار این دسته از دانشجو معلمان قرار گیرد تا به صورت برون خط (offline) به تحصیل مشغول شوند اما آیا این شناسایی انجام شده است؟ یا اصلاً دانشجومعلمان از این موضوع مطلع اند که خود را به آموزش معرفی کنند؟ چرا باید دانشجویی که بنابر هر دلیلی امکانات لازم برای شرکت در کلاس های برخط (online) را ندارد تا مرز مشروطی برود و کک کسی هم نگزد؟ و چه بسا استایدی که تکالیفی سنگین می دهند که نیاز به یک سیستم متوسط دارد و چه اهمیت دارد دانشجومعلمی که نمی تواند آن تکالیف را ارسال کرده و نمره اش پایین می آید .

اگر بخواهیم از کیفیت پایین کلاس های برخط (online) که گمان نمی کنم که بر کسی پوشیده باشد بگذاریم آیا اصلاً آموزشی به استاید و دانشجو معلمان برای استفاده از این سامانه داده شده است؟ بعضی از دانشجو معلمان هنوز نمی دانند نحوه تشکیل کلاس ها به چه شکلی است و اینکه باید هشت جلسه کلاس برخط (online) و هشت جلسه دیگر به صورت برون خط (offline) برگزار شود و این امر اطلاع رسانی ضعیف آموزش دانشگاه را می رساند که یک مرجع اطلاع رسانی رسمی به دانشجویان ندارد و تمام اخبار از کانال ها و مسیر های غیر رسمی به دانشجویان می رسد که صحت بعضی از آن ها جای شک بسیار دارد.

در کارگه کوزه گری بودم دوش

دیدم دو هزار کوزه گویا و خموش

هر یک به زبان حال با من گفتند

کو کوزه گر و کوزه خرو کوزه فروش

نقد فیلم



مهدی مارامائی



در این مطلب سعی می کنیم به صورت مختصر نگاه نقادانه ای به سریال آقازاده داشته باشیم.

این سریال که در شبکه نمایش خانگی توزیع می شود، یکی دیگر از همکاریهای حامد عنقا و بهرنگ توفیقی است. عنقا، نویسنده و تهیه کننده و توفیقی، کارگردان سریال است.

سریال آقازاده، همانطور که از نامش پیداست در مورد افرادی است که با سوء استفاده از مقام خود، دست به فساد گسترده و زد و بند های غیر اخلاقی می زنند؛ این سریال داستان یک آقازاده به نام نیما بحری (امیر آقایی) است که با تکیه بر پول و موقعیت سیاسی پدرش به تمام خواسته های خود رسیده و جاه طلبی اش حد و مرزی ندارد و با زدوبندهای غیر اخلاقی و دور زدن قوانین، به دنبال برداشتن قدم های بزرگتر است.

پدر نیما، امیر بحری (مهدی سلطانی) یکی از مسئولیتی است که قرار است در آینده نزدیک بر مسند وزارت بنشیند و او نیز مانند پسرش با توطئه قصد دارد تا رقبای خود را از سر راه، کنار بزند.

نیمادر جریان سریال آقازاده، با تکیه بر پست آینده پدرش به دنبال آغاز یک پروژه عظیم پولساز و البته غیرقانونی در زمین های شمال کشور است. او برای انجام این کار سفرهای متعددی به شمال کشور دارد و در طی یکی از سفرها، طی اتفاقی با دختری ساده و خوش قلب به نام راضیه آشنا می شود. راضیه که همواره، از سادگی زندگی خود ناراضی بوده و به دنبال زندگی بهتر می گردد

جذب جاه طلبی نیما شده و شهر خود را ترک میکند و به تهران می رود. غافل از اینکه برای به دست آوردن زندگی بهتر باید بهای سنگینی پرداخت کند.

داستان سریال آقازاده پر از سیاهی و سفیدی مطلق است و تلاش می کند که شیوه درست زندگی صالحانه و ساده را به مخاطب خود نشان دهد.

اکنون که آشنایی مختصری با این سریال داشتیم به گوشه ای از نقد هایی که می توان به آن وارد کرد می پردازیم: آقازاده در سکانس هایی قابل قبول عمل نکرده

است، حتی تیم بازیگری گران

قیمت آن هم گاهی آنقدر ادایی

و خشک بازی می کنند که مخاطب

پس میزند. سریال، حرف جدید و جدی برای گفتن ندارد. مشکل اصلی آقازاده این است که نه دره را تصویرگری می کند و نه دردمند را می سازد، به همین خاطر بعد از چند قسمت، تحمل سریال سخت می شود و آنقدر از محیط زیستی بیننده اش به دور است که خیلی راحت می توان گفت رخ دادهای سریال در قلمرو ذهنی حامد عنقا و تیم نویسندگی رقم می خورد نه ایران امروز ما.

از سوی دیگر نگاه سریال به جوان های امروزی ایران که از فرهنگ عامه تغذیه می کنند به حدی کاریکاتور گونه و بی مایه است که احتمالاً هر شخصی که گرای دقیقی

از سوی دیگر نگاه سریال به جوان های امروزی ایران که از فرهنگ عامه تغذیه می کنند به حدی کاریکاتور گونه و بی مایه است که احتمالاً هر شخصی که گرای دقیقی از مختصات باورها و سبک رفتاری جوان های امروز داشته باشد را به خنده وا می دارد.

شاید در ظاهر همه چیز پیرامون مد، اینستاگرام و پارتی های شبانه باشد، اما وظیفه فیلمساز، بازنمایی صرف و سطحی این موارد نیست بلکه باید به سراغ ریشه های این مسائل برود و چنین ریشه یابی و معضل شناسی ممکن نیست مگر با شناخت دقیق مصرف گرایی و مواردی از این دست که هیچ نشانی از آنها در سریال آقازاده نیست.

از نقاط ضعف این سریال خانگی که بگذریم به نقاط قوت و مثبت آن که از هر لحاظ بر نقاط ضعف آن چیرگی.

دارد می رسیم. چه چیزی باعث شد که

این سریال پربیننده ترین سریال

نمایش خانگی شود؟ فقط

چند دلیل از بین

هزاران دلیل:

طراح، نویسنده
و تهیه کننده: حامد عنقا
کارگردان: بهرنگ توفیقی

AGHA'ZADEH

یکی از نقاط قوت

سریال آقازاده که توسط حامد

عنقا و تیم نویسندگی اش به متن فیلمنامه

تزییق شده، تقابل آقازاده ها از دو طیف مختلف در مقابل

یکدیگر است. به این معنی که گاهی آقازادهای به تقابل

آقازادهای دیگر می رود و گاهی کنار می ایستد تا در زمان

و مکان مناسب واکنش نشان دهد. دنبال کردن داستان

هر دو این آقازاده ها در عین پیش رفتن داستان اصلی

سریال و در عین درگیر شدن با سایر شخصیت ها که

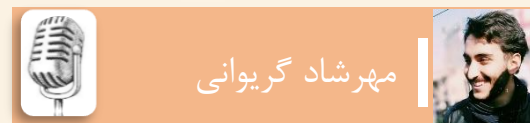
آن ها هم ماجراهای بسیار ملتیهی دارند، یکی دیگر از

علت های جذابیت سریال آقازاده است.

امیر آقایی و ایفای یک نقش تکرار نشدنی! از همان نشانه

های اولیه که در اخبار منتشر شده از سریال آقازاده مشخص بود، می دانستیم که با نقش آفرینی متفاوتی از امیر آقایی روبه رو هستیم. بازیگری که در روزهای اوج پختگی در کارنامه کاری اش قرار دارد و آخرین آثاری که چه در سینما و چه در نمایش خانگی بازی کرده است در بین بهترین آثار او قرار دارد. نیما بحری سریال آقازاده، با حشمت درونی اش، عصبانیت توامان با ترسش، جسارت پیش برنده اهدافش و فریادهای در گلویش، شخصیتی است که هیچ بازیگر دیگری جز امیر آقایی نمی توانست برای این کاراکتر مناسب باشد. حامد عنقا و بهرنگ توفیقی با انتخاب امیر آقایی، علاوه بر اینکه هوشمندی شان را در انتخاب بازیگران نشان دادند؛ در بین تهیه کنندگان و کارگردان هایی قرار گرفتند که می توانند نقطه عطف کارنامه بازیگری اعضای تیم شان را با این سریال، رقم بزنند. چند قسمت از سریال آقازاده منتشر شده است. سریالی که از اسم تا رسم، پر از حاشیه و نکات جستجو برانگیز است و در همین دو قسمت هم، سر و صداهای زیادی به پا کرده است. از واکنش های بینندگان در شبکه های مجازی تا واکنش مستقیم مشاور رئیس جمهور، آن هم زمانی که فقط دو قسمت از سریال منتشر شده، نشانه هایی است که پیش بینی های قبلی از پربیننده شدن سریال آقازاده را به واقعیت تبدیل می کند. بسیاری این سریال را سیاسی ترین سریال شبکه نمایش خانگی می دانند که نشانه های زیادی از آن هم در روایت ها و هم در شخصیت پردازی ها، وجود دارد. امین تارخ درباره سریال «آقازاده» گفت: «سریالی که ۶۰ میلیون دقیقه دیده می شود معنی اش این است که با تماشاگر ارتباط برقرار کرده و آنها را راضی نگه می دارد. این به شکل اتفاقی نیست؛ این در واقع نشانگر این مطلب است که صاحب یک فیلمنامه و تهیه کننده بسیار خوب و یک کارگردانی بسیار جذاب است.» این سریال آنقدر جنجال به پا کرده است که می توان نقد های زیادی به آن وارد کرد ولی ما تنها بخشی از آن را به صورت کلی مورد نقد قرار داده ایم و امیدواریم مورد فایده قرار گرفته باشد.

معرفی کتاب



مهرشاد گریوانی

عمران در بیابان خود را یافت،

زمانی که مستأصل شد میان مرگ و زندگی و فقط می‌دانست .
که باید یکی را صدا بزند. نمی‌دانست چه کسی را.

گویی فطرتش می‌گفت: آخر مگر می‌شود من در بیابان و در حال مرگ، کسی را برای شنیدن فریادم نداشته باشم؟ آخر مگر می‌شود دنیا آنقدر بی حساب و کتاب باشد که انسان خالقی نداشته باشد که اکنون نفس های آخرش به مشام او برسد؟ عمران در بیابان خدای خود را یافت. همان خدایی که ما غفلت زدگان، در مساجد نیافتیم . و چه توفیقی! توفیق شناخت امام زمانش...

حلقه اتصال او به امامش پینه دوز بود و حلقه اتصالش به خالقش، امام رضا علیه السلام بود.

کاش ذات اقدس حضرت حق، گاه‌ها پینه دوز هایی برای ما نیز بفرستد چرا که بعید می‌دانم اگر در بیابان نیز در حال مرگ باشیم، یادی از آفریننده خود کنیم.

به راستی اگر یادی هم کنیم، با چه رویی؟

بگوییم: حالا که در حال مرگم به دادم برس؟

حالا که دیگر چه بخواهم چه نخواهم کسی را ندارم، به دادم برس؟

به راستی با چه رویی کسی را که یک عمر نگاهش به ما گره خورده

و ما وقیحانه حتی یکبار مورد خطابش قرار نداده ایم، در مشکلات صدا کنیم؟

خدا با داستان عمران بن موسی ، می‌خواست بگوید اگر بنده ام حتی یکبار

مرا صدا زند، دری را در بیابانی، پینه دوزی را در دیاری ، اسبی را در کاروانی ،

مامور می‌کنم تا او را به من برساند . مگر می‌شود بنده ای مرا خطاب قرار

دهد و من اراده ام را بر هدایت تکوینی او قرار ندهم؟

به راستی، همه مشکلات ما

تنها به یک خطابه برمیگردد؟!

رمان اقیانوس مشرق رمانی جذاب و خواندنی از آقای پورولی کلشتری است که مارا برای مدتی به دوران حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام می‌برد و با اصحاب آن حضرت در آن زمان آشنایمان می‌کند...

دلنویشته



الیاس رسولخانی

اگه کسی از من بپرسه بدترین اتفاق دنیا چیه، می‌دونین جوابم چیه؟
به نظرم اینه که آدما خدا رو با پول اشتباه بگیرن (همیشه همراهشون باشه ولی موقعی که لازم شد خرجش کنن.) زمانی که دروغ می‌شنویم، می‌گیریم از خدا بترس. ولی زمانی که دروغ می‌گیریم خدا غریبه ست. بارها و بارها می‌گیریم قاضی مطلق خداست؛ اما جاهایی مقام قضاوت رو از خدا قرض می‌گیریم و اصلاً به عواقب کارمون فکر نمی‌کنیم و واسمون مهم نیست زندگی چند نفر به دست ما تباه میشه.

صبح تا شب مشغول گناهیم و دعای آخر شبمون امن یجیبه. ولی خدا نکنه ازکسی کینه به دل بگیریم. اون جا دیگه یادمون نمیداد بخشش چیه و این که خدا گفته ببخشید تا بخشیده بشید. وقتی دلمون میشکنه همه آدما رو به خدا واگذار میکنیم اما کسی نیس دل های شکسته پشت سرمون و جمع کنه چون اون موقع اصلاً خدا رو یادمون نمیداد.

این که قرار چند روز زندگی کنیم رو نمیدونم ولی مطمئنم به روزی میرسه که دستمون از دنیا کوتاه میشه و هیچ کاری ازمون بر نمیداد اونجاست که خدا جایگاه حقیقیمونو تقدیممون میکنه. با تموم این اوصاف چیزی که مشخصه اینه که ما خودمون رو به بازی گرفتیم و گرنه خدا حی و حاضره و تموم رفتارمونو میبینه و اگه الان چیزی نمیکه دلیل بر نبودنش نیست.

دلیلش اینه که میخواد درک، شعور و اختیار مارو بسنجه ودر نهایت هرکس و در جایگاهی که لیاقتش رو داره بنشونه.



امر رهبری

وظایف دانشجویان از دیدگاه رهبری

اهمیت گفتمان سازی

تقویت مبانی معرفتی و
پرهیز از انفعال و انحراف

توجه و مراقبت به
سربازگیری دشمن از
جامعه‌ی جوان کشور

انتقاد در کنار پیشنهاد و پرهیز از پرخاشگری

آرمان خواهی و مطالبه‌گری

صراحت و قوّت در مقابل ایجاد
کنندگان تردید در مبانی و تزئین
کنندگان دشمن

خودسازی فردی و اجتماعی

توجه به پیشرفت علمی

گسترش جبهه‌ی انقلاب و
پرهیز از طرد افراد معتقد

اهمیت به مسئله‌ی حجاب و حیای اسلامی در محیط
دانشگاه



محمد علی رضایی فرد





دعوت به همکاری :

علاقمندان و افراد مستعد میتوانند در زمینه های نویسندگی، گویندگی، ویراستاری و طراحی با ما همکاری داشته باشند ؛ لذا افرادی که مایل به همکاری هستند، می توانند آثار خود را برای ما ارسال کرده و در شماره های بعدی نشریه صریر ما را همراهی کنند. پذیرای انتقادات و پیشنهادات سازنده شما عزیزان هستیم.



پل های ارتباطی :



صفحه اینستاگرام



پیام رسان تلگرام



مذاکره ممنوع
محمد ریحانی



شعر آزادی
مهدی عوض نیا



در مرداب، به انتظار
محمد ریحانی



خواص بی بصیرت
محمد ریحانی



دلنوشته - امیر
حسین علی نیا



ازدواج دانشجویی
امیر حسین علی نیا



دانشجو معلمان و
کرونا - رسولخانی



جدیدالورود ها
الیاس رسولخانی



مشکلات دانشجویی
مهدی عوض نیا



شاعرانه - محمد
مهدی کوه نشین



معرفی کتاب
محمد الهامی



نقد فیلم - امیر
حسین علی نیا



«بنده امیدوارم و نگاهم نسبت به آینده این کشور خیلی روشنه، بنده میدانم که خدای متعال اراده فرموده است این ملت را به متعالی ترین درجات برساند و بدانید که ان شاء الله، ملت ایران به برکت اسلام و نظام اسلامی به عالی ترین درجات یک ملت، در حد و اندازه ملت ایران خواهد رسید؛ و بدانید که توطئه دشمن، خرابکاری دشمن، حمله دشمن ضربه دشمن هیچ اثری نخواهد داشت و به معنای واقعی کلمه دشمن هیچ غلطی نخواهد توانست بکند.»
رهبر معظم انقلاب.

